

روزه، زمزمه محبت، یا زبان زحمت

شریعت همچون شریعه (آبشخور رودخانه) صفا و خلوص سرچشمه را در بستر تاریخ با رنگ و رسوبات آداب و فرهنگ‌ها از دست می‌دهد و پیروان ناآگاه به چرک شرک در تکیه بر ارباب زر و زور و تزویر آلوده می‌شوند.

موبدان، مغان، کاهنان، کشیشان، کاتبان، فریسیان، فقیهان و... متولیان دین و نماد «دین تاریخی» اند که متناسب با درک و فهم و فرهنگ زمان خود عمل کرده و می‌کنند؛ تشنگی را از زلال سرچشمه باید سیراب کرد.

نزد خدا، انسان موجودی «مختار»، آزاد و دارای کرامت و منزلت و نزد فقیهان سنتی، مقلدی مکلف، مهجور و مجبور به انجام تعبّدی تکالیف شرعی است. شریعت خدا «سهله و سمحه» (آسان و مسامحه‌گر) است و خدای بسیاری از فقیهان سختگیر و بی رحم و عاطفه و فاقد احساس.

روزه رمضان نمونه و مثالی است برای شناخت تفاوت «زبان خدا»، با «زبان فقیهان» در ابلاغ این حکم، همچون تفاوت «حکم ارشادی» حجاب در توصیه پیامبر به همسران، دختران خود و زنان مؤمن، با «حکم اجباری» فقیهان در نظام ولایت مطلقه فقیه!

زبان خدا در توصیه به روزه رمضان برای جذب طفل گریز پای راحت طلب بشری، «زمزمه محبت» است و زبان بسیاری از فقیهان، زبان مأموران «اجرای احکام»! خدا تربیت و تحول روحی را در نظر دارد و فقیهان انجام صوری روزه و حفظ ظواهر شریعت را. خدا پاک شدن باطن را طلب می‌کند، آنان پاک شدن ظاهر فرد و جامعه را، خدا به محتوا و روح احکام توجه دارد، آنان به قالب و شکل آن.

مخاطب روزه در قرآن نه «ایها الناس» است، نه «ایها المسلمون»، بلکه «ایها الذین آمنوا» است؛ همان کسانی که با اختیار خود در مدرسه «ایمان» ثبت نام کرده و در پرتو دو نام «سلام و مؤمن»، که از جمله نام‌های نیکوی خدایند^(۱) خواسته‌اند به «سلامت و امنیت» از «خوف و حزن» برسند و دیگران از دست و زبان‌شان در سلامت و امنیت باشند. به این ترتیب درس اول رمضان «امنیت» است و امنیت جامعه با تمرین امنیت توسط فرد تضمین می‌شود.

لفظ قرآنی حکمی که نمی‌دانم چرا به فارسی «روزه» اش نامیده‌اند! «صیام» است، صیام در لغت عرب دلالت بر «امساک از مطلق فعل» دارد، یعنی یک سلسله محدودیت‌هایی برای چشم، گوش، زبان، دل، دست و پا و همه اعضاء و جوارح در ماه رمضان، مثل دروغ نگفتن، غیبت نکردن، تهمت نزدن و... که با نخوردن و نیاشامیدن که گام اول و فراگیرترین آن برای زن و مرد، عالم و عامی، پیر و جوان می‌باشد آغاز می‌شود. این محدودیت‌ها تماماً در راستای تضمین «سلامت و امنیت» جامعه است.

امنیت را به زور نمی‌توان تضمین کرد، شرط اول آن، به رسمیت شناختن آزادی انسان حامل «امانت اختیار» و منزلت و کرامت است که مسجود ملایک واقع شده و استعداد از خاک به افلاک برآمدن دارد. به احترام همین روح دمیده شده در آدمی و گوهر «آزادی» است که قرآن به جای ذکر «واجب بودن» روزه^(۲) از فعل مجهول «کُتِبَ» و عنوان «ایجاب می‌کند» استفاده کرده تا حرمت نفس انسان و شخصیت او را نگه داشته باشد! همچون پزشکی که به بیمار قلبی یا قندی یک سلسله «نخوردن، نیاشامیدن و...» را توصیه می‌کند.

جالب این که در مورد: وصیت برای بازماندگان، قصاص، و حتی جنگ با متجاوزان نیز به جای «کُتِبَ الله علیکم» که نوعی فرمان از بالاست، خداوند کریم فعل مجهول «کُتِبَ علیکم» را که ناظر به مصلحت و منفعت شخص یا جامعه می‌باشد در قرآن آورده است.^(۳)

نخستین درس رمضان در اولین آیه آن، «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (باشد تا خوشتن دار شوید) است. «تقوی» از وقایه = ترمز، اراده مهار خود در سرکشی نفس به سوی سوء است که برخی روانشناسان و کارشناسان علوم تربیتی آن (سلف کنترل) را برای رشد و کمال انسان از هوش و ذکاوت (آی کیو) بالاتر شمرده‌اند. به قول مولوی: باد خشم و باد شهوت، باد آز برد او را که نبود اهل نماز.

در آیات مربوط به روزه چندین بار برای رفع نگرانی و تشویق مؤمنین، معافیت‌هایی مثل: مریض، مسافر بودن یا طاقت نداشتن و تصریحاتی مثل: «روزه چند روزی قابل شمارش بیش نیست، اگر با میل و رغبت انجامش دهید به سود خودتان است، کاش می‌دانستید

روزه برای شما چقدر مفید است، خدا برای شما آسانی می‌خواهد نه سختی» را پیش می‌کشد؛ اما صاحبان رساله شرعی بر انواع «مبطلات روزه» تأکید می‌کنند. در آیات ۱۸۳ تا ۱۸۷ سوره بقره (مربوط به احکام روزه) حداقل ۲۰ نکته تعلیم و تربیتی مرتبط به روح و روان انسان مطرح گشته است و در فقه و روزه داری عامیانه آنچه اهمیت یافته «جسم انسان» است!

البته قرآن از ابطال صدقات (انفاق) با منّت و آزار^(۴) و ابطال اعمال با نافرمانی از خدا و رسول^(۵) سخن گفته، اما ذکری از مبطلات روزه ندارد؛ اگر انفاق با منت گذاری و آزار رسانی باطل می‌شود، کسی که در روزه خویشتن‌داری نکرده، تمرینی برای تقویت اراده و کنترل نفس انجام نداده که باطل شود.

هر سال میان فقیهان امت اسلام در تشخیص شروع یا ختم ماه رمضان بر سر «رؤیت هلال ماه» اختلاف است، حال آنکه در قرآن اصلاً سخنی از رؤیت ماه نیامده است، بلکه از «شهود و حضور» در این ماه (۳۰ روز، نه دیدن قمر) سخن می‌گوید، آنچه مورد نظر است شهود و حضور در این فرصت ایمانی است، نه مشاهده هلال ماه در آغاز و انتهای آن که به سختی قابل رؤیت است.

وقتی حضور قلب نباشد، چه حاصلی است از یک ماه روزه داری غافلانه؟ به سخن حکیمانه امام علی: «چه بسیار روزه داری که حاصلی از روزه خود جز گرسنگی و تشنگی ندارد، و چه بسیار شب بیدارشدگانی (برای سحری خوردن) که حاصلی جز کم خوابی و خستگی برای او نیست، خوش به خواب زیرکان و افطارشان.»^(۶)

دومین پیام روزه رمضان، که ماه نزول قرآن است^(۷) غنیمت شمردن فرصت انس با کتاب هدایتی است که در سه سطح برای توده‌های مردم، اهل تحقیق و تدبّر و بالاخره دریافت «محک شناخت» (فرقان) می‌باشد. متأسفانه آن چنان که به ظواهر این فریضه توجه می‌شود به هدف اصلی آن که انس با کتاب خداست عنایت نمی‌شود.

سومین درس رمضان، که پس از طی دو درس «تقوا» و «انس با قرآن» حاصل می‌گردد، همان عاملی است که موجب «رشد» می‌گردد، یعنی «دعا»، آنهم نه دعای جلب منفعت‌ها و دفع ضررهای دنیایی، بلکه خواندن و خواستن خود خدا که گام مهمی است در خروج از حوائج دنیایی خود به سوی خدا و سعادت ابدی. جمله «وإذا سئلك عبادي عني...» در آغاز آیه ۱۸۵ نشان از نادر و استثنای بودن گام گذاران در این مقام و منزلت دارد.^(۸)

۱- حشر ۲۳ «...هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ...»

۲- بقره ۱۸۶ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

۳- بقره ۱۸۰، ۱۷۸، ۲۱۶، ۲۴۶، نساء ۷۷. فقیهان احکام شرع را به چهار دسته: واجب، مستحب، مباح و حرام تقسیم بندی کرده‌اند. اما در قرآن نه کلمه واجب آمده، نه مستحب (مگر دریاب استفعال به معنای ترجیح) و نه مباح؟! حرام نیز منحصر به چهار مورد (گوشت مرده، خوک، خون و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده باشد) می‌باشد. حال آنکه ده‌ها مورد حرام در فقه وضع شده است!

۴- بقره ۲۶۴ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى...»

۵- محمد ۳۳ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ»

۶- نهج البلاغه «کم من صائم ليس له من صيامه إلا الجوع والظمأ، وکم من قائم ليس له من قيامه إلا السهر والعناء، حبذا نوم الأكياس وإفطارهم»

۷- بقره ۱۸۵ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ...»

۸- بقره ۱۸۶ «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»